گزارش

تلاش تندروها در ایران و آمریکا در مقابل احتمال مذاکره ۲ کشور

صف‌آرایی در مقابل دیپلماسی

نصیرپور، نماینده مجلس: افراطیون داخلی در مسیر افراطیون صهیونیستی حرکت می‌کنند

وحیده کریمی: کافی است خبری از مذاکره در میان باشد و نامی مسعود پزشکیان تا شاهد سیل حملات تندروها با حربه‌های گوناگون باشیم؛ از هزینه‌تراشی برای ایران با تأکید بر تلاش بر ترور ترامپ تا خط‌ونشان برای دولت که مذاکره هیچ نتیجه‌ای ندارد. بنابراین با گشوده‌شدن کوچک‌ترین روزنه‌ای از امید در پرتو مذاکرات احتمالی ایران با دنیا، کاسبان تحریم هرچه در توان دارند به میدان می‌آورند تا مانع ایجاد هر نوع راه‌حلی برای رفع تحریم‌ها شوند. در این میان، چه چیزی بهتر از تکیه بر توان اقلیت پرسروصدای تندرو که با شنیدن نام آمریکا یا حتی کلمه مذاکره، چشمان خود را می‌بندند و فقط فریاد می‌زنند. رادیکال‌هایی که عامدانه یا از سر ناآگاهی، در مقابل منافع ملی ایستاده‌اند و دلیل مخالفت‌هایشان هم ترس از موفقیت جناح رقیب است. البته در خلأ تکامل فرایند فعالیت احزاب، تلاش این جریان اقلیت همیشه برجسته و حتی تأثیرگذار بوده است؛ به‌خصوص که چهره‌های شاخص و رهبران معنوی جریان‌های تندرو، در نهادهای تصمیم‌سازی حضور دارند و تبعات تصمیمات‌شان سال‌هاست ایران را دچار تنش‌هایی همچون بحران‌های اقتصادی کرده است. مذاکره مستقیم ایران و آمریکا همواره موضوعی بحث‌برانگیز بوده است. این مذاکرات می‌تواند تأثیراتی گسترده بر اقتصاد، سیاست داخلی و روابط خارجی کشور داشته باشد؛ بنابراین از همان ابتدا سیل حملات قرار گرفته است. در این میان، نمی‌توان از اهمیت نقدهای اصولی که به مذاکره با آمریکا می‌شود، چشم‌پوشی کرد. نقدهایی همچون نگرانی از تشدید تحریم‌ها، تکرار بدعهدی غربی‌ها و ایجاد تعهدات جدید برای ایران در راستای کاهش قدرت منطقه‌ای و مواردی این‌چنین. اما این دغدغه‌ها و حتی بیشتر از آن توسط تیم مذاکره‌کننده مورد توجه است و همان‌گونه که رئیس‌جمهور نیز تأکید کرده، مذاکره باید شرافتمدانه، برابر و همراه با اعتمادسازی باشد و قرار نیست ایران بازنده چنین مذاکره مهمی باشد. مطمنا مذاکرات برد-برد، همه آن چیزی است که دو طرف نیاز دارند. البته نگاه تندروها در این مقوله متفاوت از اصولگرایان میانه‌رو است و برخی از تندروها «توسعه ایران» را امری غربی می‌دانند و با فرایند توسعه کشور مخالف هستند. آنها معتقدند مذاکره با آمریکا به معنای پذیرش استانداردهای غربی و وابستگی بیشتر به نظام مالی جهانی است. آنها هرگونه مذاکره با غرب و آمریکا را شکست می‌دانند و معتقدند مردم باید حتی با بستن سنگ به شکم و با تحمل شرایط سخت تحریمی، در مقابل غرب بایستند. کافی است به حجم و ادبیات حملات نگاهی بیندازیم؛ برای مثال، مهدی کوچک‌زاده که به‌شدت با مذاکره با آمریکا مخالف است و این اقدام را به‌عنوان واگذاری کنترل اقتصادی کشور به دشمنان غربی تلقی کرده یا صادق کوشکی، چهره نزدیک به جلیلی که در مخالفت با احتمال مذاکره با آمریکا گفته است: برخی از چهره‌های سیاسی در آمریکا هیچ تمایلی به مذاکرات نشان نداده‌اند. طبیعتا، مذاکره زمانی معنا دارد که دو طرف به آن علاقه‌مند باشند، اما وقتی یک طرف تمایلی ندارد، مذاکرات بی‌معنا می‌شود. به‌عنوان مثال، ترامپ به صراحت پاسخ منفی به پیشنهاد مذاکره داده است. سیاست او چه در دولت قبلی و چه اکنون، مبتنی بر رد مذاکره با ایران است. وی تأکید کرده است: مذاکره‌ای که قرار نیست انجام شود، نمی‌تواند تأثیری داشته باشد که بخواهیم درباره آن صحبت کنیم. در دوره ترامپ، آمریکایی‌ها تمایلی به انجام مذاکره با ایران ندارند و دلیلی برای ورود به آن نمی‌بینند. در عوض، به فشارهای خود ادامه می‌دهند و به نظر می‌رسد سیاست دولت بعدی آمریکا بر این مبنا استوار باشد. در این میان، برخی اصولگرایان را هم با خود همراه کرده‌اند و دیروز کعبی، نماینده مجلس خبرگان رهبری، در سخنانی گفته است: بعضی‌ها از مذاکره با آمریکا دم می‌زنند؛ به رسمیت شناختن جنایتکار و تروریستی مثل ترامپ، خیانت به ملت ایران است. ملت ایران هرگز در برابر جنایتکاران غرب تسلیم نخواهد شد. کعبی بیان کرده است: برخی می‌خواهند دل مردم ایران را خالی کنند و شایعه‌سازی می‌کنند. ملت ایران پای آرمان شهیدان ایستاده و ان‌شاءالله قله‌های بزرگ پیشرفت را فتح می‌کند. مهدی فضائلی، عضو دفتر نشر آثار رهبر انقلاب نیز گفته است: مذاکره ایران با آمریکا خیانتی است به کل جهان. افول ابرقدرتی واشنگتن تقریبا مورد اجماع است. آیا اشتیاق نشان‌دادن به مذاکره در این شرایط، تقویت انگاره دولتمردان آمریکا مبنی بر داشتن دست برتر نیست؟ اینکه در مقابل مذاکرات احتمالی آتی شاهد صف‌آرایی موافقان و مخالفان باشیم، امری طبیعی بوده و نشانه تضارب آراست و پویایی جامعه، اما به‌جای اقناع و گفت‌وگو اگر شرایط به تضعیف دولت و تیم مذاکره‌کننده سوق پیدا کند، آثاری منفی در پی دارد. نباید فراموش کرد که یکی از مهم‌ترین دلایل ضرورت مذاکره مستقیم با آمریکا، رفع تحریم‌های اقتصادی است. تحریم‌ها تأثیراتی منفی زیادی بر اقتصاد ایران داشته‌اند و مذاکره مستقیم می‌تواند به کاهش یا رفع این تحریم‌ها کمک کند؛ به‌خصوص که به گفته عبدالعلی‌زاده، دستیار رئیس‌جمهور، می‌توان ظرف چند ماه به توافقی جامع با آمریکا و اروپا دست یافت. در پرتو چنین مذاکراتی، بهبود وضعیت اقتصادی ایران کلید خواهد خورد؛ زیرا این مذاکرات می‌تواند به جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و افزایش تجارت بین‌المللی منجر شود. همچنین وجود توافق و مذاکرات می‌تواند به کاهش تنش‌ها و افزایش امنیت ملی، کاهش تهدیدات و افزایش ثبات منطقه‌ای منجر شود. در این میان، با آغاز مذاکرات با قدرت‌های جهانی، تصویری از تمایل ایران به همکاری و تعامل با جامعه بین‌المللی پررنگ خواهد شد که خود مانع اجماع برای تحریم و تحت فشار قراردادن ایران خواهد بود. بنابراین درست است تاکنون تندروها توانسته‌اند مانع مهمی در مسیر رفع تحریم‌ها شوند، اما باید دید در دولت جدید ماجرا چگونه هدایت خواهد شد و در مذاکره با آمریکا، دو طرف تا چه میزان با احترام متقابل به راهبردی جامع دست یافته و مانع تأثیر منفی تندروهای داخلی خود خواهند شد.

مخالفان مذاکره در آمریکا

این مخالفت‌ها فقط مختص به تندروهای ایران نیست و در آمریکا نیز آغاز چنین مذاکراتی مخالفان خود را دارد. مثلا سناتور لیندسی گراهام به‌شدت مخالف احیای برجام و هرگونه مذاکره با ایران بوده و معتقد است ایران نباید به سلاح هسته‌ای دست یابد. همچنین سناتور باب مننذز نیز مخالف احیای برجام بوده و معتقد است هرگونه توافقی باید به کنگره ارائه شود و مورد بررسی قرار گیرد. این سناتورها و دیگر مخالفان مذاکره با ایران، بر این باورند که فشار حداکثری و استفاده از ابزارهای نظامی و اقتصادی می‌تواند تهران را به تغییر رفتار وادار کند و تهدیدات امنیتی را کاهش دهد. البته مانند ایران، موافقانی نیز برای مذاکره میان دو کشور وجود دارد و برخی از سیاست‌مداران و تحلیلگران آمریکایی که از مذاکره با ایران حمایت می‌کنند، شامل افراد زیر هستند: ریچارد هاس، دیپلمات ارشد دولت جورج بوش پسر و مدیر پیشین اندیشکده شورای روابط خارجی که در مقاله‌ای در نشریه «فارن‌افرز»، به رئیس‌جمهور آمریکا توصیه کرد فرصت دیپلماسی با ایران را از دست ندهد و بر فوریت تعامل با تهران تأکید کرد. ریچارد نفیو، معمار تحریم‌های ایران در مقاله‌ای به این نکته اشاره کرد که دیپلماسی همچنان بهترین و پایدارترین راه‌حل درباره مسئله هسته‌ای ایران است. افراد و دیگر تحلیلگران و سیاست‌مداران آمریکایی معتقدند دیپلماسی و مذاکره می‌تواند به کاهش تنش‌ها و حل مسائل هسته‌ای منجر شود. بنابراین برخی از تحلیلگران و سیاست‌مداران آمریکایی معتقدند دیپلماسی و مذاکره با ایران می‌تواند به کاهش تنش‌ها و حل مسائل هسته‌ای منجر شود. این گروه بر این باورند که دیپلماسی می‌تواند به بهبود روابط دو کشور و افزایش امنیت منطقه‌ای کمک کند. گروه دیگری از تحلیلگران و سیاست‌مداران آمریکایی نیز معتقدند آمریکا باید به سیاست فشار حداکثری ادامه دهد و از ابزارهای نظامی و اقتصادی برای فشار بر ایران استفاده کند.

ادامه در صفحه ۳

عکس: سهند تاکی، شرق

بررسی چشم‌انداز مناسبات ایران و آمریکا در آستانه بازگشت ترامپ به کاخ سفید در گفت‌وگو با علی مطهری

در شرایط کنونی، بهترین تصمیم آغاز مذاکرات است

من به مذکراه مستقیم، توافق و حتی رابطه با آمریکا اعتقاد دارم/ برای ایران، ترامپ یک «فرصت» است، نه «تهدید»

عبدالرحمن فتح‌الهی: با ورود به سال ۲۰۲۴ میلادی و داغ‌شدن تنور انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا در پنجم نوامبر و زمزمه‌هایی دال بر احتمال بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید، هم جامعه سیاسی و اجتماعی ایران و هم فضای اقتصاد کشور، نیم‌نگاهی به شکست دموکرات‌ها داشت. به موازات آن و در ۷۶ روز گذشته پس از پیروزی دونالد ترامپ، محافل سیاسی و رسانه‌ای ایران از زوایای مختلف آثار بازگشت او (ترامپ) به قدرت و نوع مواجهه تهران-واشنگتن را به بوته تحلیل برده‌اند. بااین‌حال در بین خطوط این ارزیابی‌ها، همواره سطحی از نگرانی مشهود بوده است؛ کمااینکه طیف عمده‌ای از کارشناسان معتقدند گزاره‌های احتمالی نظیر احیای کمپین فشار حداکثری و به‌صفررساندن فروش نفت ایران، فشار ترامپ به تروئیکای اروپایی برای فعال‌کردن مکانیسم ماشه و بازگشت قطع‌نامه‌ها، تلاش برای انزوای تهران و حتی گزینه «ضربه نظامی» یا «جنگ نظامی» همچنان در لفاظی‌ها وجود دارد. البته در مقابل، طیفی اساسا اعتقادی به نگرانی و اضطراب برای بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید ندارند و حتی با یک عینک خوش‌بینانه، قدرت‌گیری مجدد او را به معنای ایجاد فضای مناسب‌تر برای ایران می‌دانند تا مذاکراتی را برای حصول توافق پی بگیرد و در این میان روحیه معامله‌گری ترامپ کمک شایانی به این امر خواهد کرد. اما اینکه در ساعت باقی‌مانده تا برگزاری مراسم تحلیف و بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید، باید کدام‌یک از دو قرائت را نزدیک به واقعیت دانست، پرسشی است که در گفت‌وگو با علی مطهری به دنبال پاسخ آن هستیم تا روشن شود که نایب‌رئیس مجلس دهم، قائل به کدام‌یک از این دو روایت است و اساسا و از منظر این چهره سیاسی، برای ایران، ترامپ یک «فرصت» خواهد بود یا یک «تهدید». آنچه در ادامه می‌خوانید، مشروح این گپ‌وگفت است.

درست با آغاز سال ۲۰۲۴ و داغ‌شدن تنور انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا و مطرح‌شدن احتمال بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید، سطحی از نگرانی به وجود آمده بود که بعد از پیروزی او، این نگرانی‌ها در ابعاد مختلف افزایش پیدا کرده است. حالا که قرار است امروز دوشنبه شاهد برگزاری مراسم تحلیف و قدرت‌گیری مجدد ترامپ باشیم، آیا باید این نگرانی را جایز دانست یا خیر؟

موضوع مبهم است و این امر بستگی به رفتار دولت جدید آمریکا دارد؛ به‌خصوص آنکه دونالد ترامپ ثابت کرده یک فرد غیرقابل پیش‌بینی است. از این جهت است که بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید، هم می‌تواند به نفع ما در ایران تمام شود و هم می‌تواند به ضرر ما تمام شود.

به نظر شما واکنش ایران چگونه باید باشد؟

ما باید متناسب با اقدام و رفتار دولت جدید در آمریکا عمل کنیم و در نشان‌دادن واکنش، عجله و شتابی به خرج ندهیم.

جناب مطهری، به نظر می‌رسد بخشی از این نگرانی‌های جامعه، چه در طیف کارشناسان و چه در محافل سیاسی و رسانه‌ای و حتی واکنش روانی بازار در این مدت، ذیل تجربه چهار سال اول دولت ترامپ باشد. اگرچه حضرت‌عالی عنوان کردید که دونالد ترامپ فردی غیرقابل پیش‌بینی است، اما چه ارزیابی برای دولت دوم او دارید؟ ترامپ به دنبال «تقابل» با ایران است یا «تعامل»؟

آن چیزی که روشن است، دولت جدید در آمریکا تمایل خود را برای مذاکره و توافق با ایران نشان داده و جایگاه ایران هم جایگاه خوبی است. یعنی هم از نظر منطقه‌ای و هم از نظر جهانی شرایطی به وجود آمده که اکنون ایران می‌تواند با برخورداری از یک جایگاه مناسب و از موضع برابر، مذاکرات با آمریکا را انجام دهد.

برای همین نکته خودتان چه مصداق‌هایی دارید؛ چون برخی معتقدند جایگاه ایران مانند سابق نیست؟

همین چند روز پیش ما شاهد امضای موافقت‌نامه همکاری‌های جامع ۲۰ساله ایران و روسیه بودیم که شامل مناسبات دوجانبه در اکثر حوزه‌ها خواهد بود. امضای این موافقت‌نامه می‌تواند به تقویت وزن دیپلماتیک ایران کمک کند. از طرف دیگر، در منطقه خاورمیانه نیز از صبح دیروز (یکشنبه)، آتش‌بس در غزه اجرا شد و اجرائی‌شدن این آتش‌بس می‌تواند به بهبود وضعیت محور مقاومت کمک کند و ثابت شد که محور مقاومت به رهبری جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در منطقه مؤثر باشد و بدون توجه به رأی و نظر محور مقاومت نمی‌توان اتفاقی را در غرب آسیا رقم زد. به همین دلیل است که آمریکایی‌ها کماکان به ایران نیاز دارند و با توجه به همین نیاز است که دولت ترامپ هم تمایل خود را به مذاکره و توافق با ایران نشان داده است.

شما هم قائل به مذاکره هستید؟

اگر دولت ترامپ برای مذاکرات یک گام به جلو بگذارد، ما هم باید از آن استقبال کنیم و این مذاکرات را انجام بدهیم.

و به چه نوع مذاکراتی معتقدید؟

من معتقدم باید مذاکرات مستقیمی با دولت ترامپ انجام شود. اینکه بخواهیم برای مذاکرات با دولت ترامپ واسطه قرار بدهیم و با میانجیگری کار را پیش ببریم، به نتیجه نخواهد رسید؛ کمااینکه در گذشته هم تجربه این‌دست مذاکرات غیرمستقیم نشان داد چندان به نفع ما نیست که مذاکرات را با واسطه پیش ببریم.

چرا با مذاکرات با واسطه و میانجی زاویه دارید؟

چون واسطه‌ها و میانجیگران به فکر منافع خود هستند و این‌طور کار پیش نمی‌رود. ما باید مذاکرات را مستقیم با خود دولت آمریکا و بدون حضور میانجی یا واسطه انجام دهیم.

سؤال اینجاست که آیا عزمی جدی و اراده‌ای در داخل برای آغاز این مذاکرات می‌بینید. به هر حال هنوز تریبون‌هایی سیاسی برای مخالفت و اعتراض با هرگونه مذاکره، آن هم مذاکره مستقیم با آمریکا و آن هم با دولت ترامپ وجود دارد؟

ما باید از هم‌اکنون به دنبال تبیین درستی از مذاکرات مستقیم با دولت جدید در آمریکا برای داخل کشور باشیم. به هر حال عده‌ای در داخل ایران هستند که هرگونه مذاکره و رابطه با آمریکایی‌ها را مساوی با تسلیم در برابر ایالات متحده و نابودی آرمان‌های انقلاب اسلامی می‌دانند. به‌هیچ‌وجه مذاکره مستقیم با آمریکا و حتی رابطه با آمریکایی‌ها، نه به معنای تسلیم‌شدن در برابر خواسته‌های آمریکاست و نه فراموش‌شدن آرمان‌های انقلاب اسلامی. ما می‌توانیم مذاکره مستقیم با آمریکا را شروع کنیم و به توافق برسیم و حتی رابطه را با ایالات متحده از سر بگیریم و در عین حال آرمان‌های انقلاب اسلامی هم پابرجا باشد. این دو منافاتی با همدیگر ندارند. برای مثال، آیا اگر جمهوری اسلامی ایران به دنبال مذاکره و توافق و حتی رابطه با آمریکا باشد، به معنای آن خواهد بود که ایران آرمان فلسطین را رها کرده است یا آن را فراموش خواهد کرد؟ قطعا این‌گونه نخواهد بود. اتفاقا حتی مذاکره مستقیم و توافق با آمریکا می‌تواند به پررنگ‌شدن بیش از پیش آرمان فلسطین کمک کند.

به چه نحو؟

فراموش نکنیم که اسرائیلی‌ها به‌شدت مخالف هرگونه تنش‌زدایی، مذاکره و توافق بین جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا هستند و تل‌آویو همچنان به دنبال آن است که ایران در نوعی انزوا به سر ببرد و ما با تحریم‌های آمریکا دست‌وپنجه نرم کنیم تا در چنین شرایطی، اسرائیل بتواند موضع برتر خود را حفظ کند. بنابراین باید موضوع مذاکره، توافق و حتی رابطه با آمریکا برای آن قشری از جامعه که نیت سوئی ندارد و جزء دوستداران انقلاب است، به درستی تبیین و تشریح شود. البته باید اذعان داشت که این دوستان نگاه خاصی به مسائل دارند که باید اصلاح شود. چون نگاه آنها به مسائل جاری اشتباه است که اساسا هرگونه مذاکره و توافق با آمریکا را منفی می‌دانند و آن را رد می‌کنند و به‌مثابه خیانت به انقلاب تفسیر می‌کنند. باید این نگاه درست شود. این ارزیابی خطایی است و اتفاقا به واسطه همین نگاه‌ها بود که نهایتا برجام نتوانست به نتیجه برسد و زمینه‌ای را فراهم کرد که به دنبال آن، دونالد ترامپ هم از برجام خارج شد یا ما نتوانستیم به FATF بپیوندیم و به همین دلیل خسارت‌های زیادی طی چند سال گذشته به کشور تحمیل شد. پس باید برای این قشر توضیح داد و به‌درستی مسئله را تبیین کرد که اساسا رد هرگونه تلاشی برای مذاکره یا توافق با آمریکا یک فکر اشتباه است.

این را هم بگویم که در ابتدای انقلاب اسلامی هم قرار بر قطع کامل رابطه با آمریکا نبوده است. در آن زمان متأسفانه یک اتفاق (حمله به سفارت) غیرضروری به وقوع پیوست که با تحریک جریان‌های چپ و مارکسیستی بود و انقلاب هم در مقابل یک عمل انجام‌شده قرار گرفت و متأسفانه آسیب‌های زیادی به آینده انقلاب زد. چون چهره نه‌چندان مثبتی از انقلاب در همان ابتدا به منطقه و جهان مخابره شد. در صورتی که انقلاب واقعا چنین تصویری نداشت و متأسفانه به دلیل همین اتفاق غیرضروری در همان اوایل انقلاب، آمریکا روابطش را با ما قطع کرد. وگرنه در فکر رهبران انقلاب موضوع قطع روابط با آمریکا مطرح نبود که ما بعد از پیروزی انقلاب به دنبال قطع رابطه با آمریکا باشیم. درعین‌حال باید گفت که متأسفانه این قطع رابطه بین دو کشور بیش‌ازحد و بی‌جهت طی بیش از چهار دهه طولانی شده است و هیچ ضرورتی هم برای ادامه این قطع رابطه با آمریکا وجود ندارد. هر زمان که ما این روابط را با آمریکا دوباره از سر بگیریم، به‌نفع منافع کشور است. به‌نفع آرمان‌های انقلاب خواهد بود. ضمن اینکه آرمان‌های انقلاب هم سر جای خود و با قوت باقی است و از این بابت جای نگرانی وجود ندارد. اما واقعا ما باید در شرایط کنونی، کشور را به حالت طبیعی بازگردانیم.

اینکه به دلیل تحریم‌ها وFATF، وضعیت اقتصادی و تجاری و واردات و صادرات ما یک حالت غیرطبیعی داشته باشد و بخواهیم دائما تحریم‌ها را دور بزنیم، قابل دفاع نیست؛ چون ما در تمام این سال‌ها مجبوریم کالاهای صادراتی را با قیمت‌های ارزان‌تر بفروشیم و کالاهای وارداتی را با بهای گران‌تری به کشور وارد کنیم. ادامه این روند قطعا به ضرر کشور است. اینجاست که دوباره تکرار می‌کنم باید به فوریت شرایطی را مهیا کنیم که کشور به حالت طبیعی بازگردد تا ان‌شاءالله بتوانیم این سال‌ها که از توسعه ایران بازمانده‌ایم را به نحوی جبران کنیم.

با این ارزیابی که داشتید به نظر می‌رسد در پاسخ به سؤال نخست مصاحبه، شما نگرانی از بازگشت ترامپ به کاخ سفید ندارید و او را بیشتر یک «فرصت» می‌دانید تا «تهدید».

بله من دونالد ترامپ را یک فرصت می‌دانم؛ چون ترامپ یک آدم معامله‌گر و تاجرمسلک است و اتفاقا به همین دلیل، ایران به شکل راحت‌تر و بهتری می‌تواند با دولت جدید آمریکا وارد مذاکره مستقیم و توافق شود تا به اهداف و منافع خودمان برسیم. اتفاقا اگر دولت‌های دموکرات مانند جو بایدن روی کار می‌بودند، شرایط برای ما سخت‌تر می‌شد؛ چون آنها موذی‌تر هستند. بله ترامپ ثابت کرده که آدمی عجیب‌وغریب و غیرقابل پیش‌بینی است، اما با روحیه تاجرمسلکی که دارد به صورت شفاف، صریح و اصطلاحا خیلی رو بازی می‌کند و اینجاست که تکلیف ما هم با او روشن است. پس دولت جدید آمریکا احتمالا می‌تواند به‌نفع ما تمام شود.

به بخش دیگری از گفته‌های قبلی شما بازگردم که به ضرورت تبیین امر گفت‌وگوی مستقیم و حصول توافق با دولت ترامپ برای بخشی از جامعه ایران اشاره کردید. اما واقع امر این است که اکنون به نظر می‌رسد برخی از جریان‌های سیاسی که صدایی بلندی در مخالفت با مذاکره دارند، به دلیل منافع حزبی خود و به شکل کاملا آگاهانه به دنبال تقابل، سنگ‌اندازی و کارشکنی در مسیر مذاکرات خواهند بود. از این رو باید پرسید که آیا اراده و عزم جدی در سطوح تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز برای مذاکرات مستقیم با آمریکا وجود دارد که بتواند مخالفت‌ها، اعتراضات، تهدیدها و تخریب‌ها را به محاق ببرد؟

بله به نظر من در سطوح عالی نظام این تصمیم گرفته شده است که باید مذاکرات انجام شود؛ چون مصلحت را در این تشخیص داده‌اند که در شرایط کنونی کشور بهترین تصمیم، آغاز مذاکرات است. در خصوص مخالفت که گفتید، من معتقدم مخالفان مذاکرات شامل دو دسته هستند. همان‌طورکه قبل‌تر اشاره کردم، عده‌ای از جامعه از سر دلسوزی و شاید عدم آگاهی کارشناسی و با یک ارزیابی نه‌چندان درست، معتقدند نباید مذاکراتی با آمریکا انجام بشود و توافق با ایالات متحده را به معنای تسلیم، سازش و خیانت به انقلاب و فراموشی آرمان‌های انقلاب تعبیر می‌کنند و من گفتم که باید برای این طیف، موضوع مذاکرات و حصول توافق را تبیین کرد تا متوجه وضعیت شوند. چون به هر حال طی تمام این سال‌ها این طیف حامی انقلاب با این تفکر رشد کرده‌اند که نباید هیچ‌گونه مذاکره و رابطه‌ای با آمریکا داشته باشیم و این مسئله هم به شکل یک اصل خدشه‌ناپذیر در ذهن آنها حک شده است. باز تکرار می‌کنم که این طیف با صداقت و شاید از روی علاقه‌مندی به آرمان‌های انقلاب، مخالف مذاکره با آمریکا باشد؛ پس باید با این طیف صحبت کرد، موضوع را تشریح و تبیین کرد تا این فکری که در این سال‌ها به آنها تزریق شده است، اصلاح شود و آنها را به این نکته رساند که اکنون مصلحت کشور و جمهوری اسلامی ایران در این است که در مسیر مذاکره و توافق گام برداریم. همان‌طورکه گفتید دسته دومی هم وجود دارد که به شکل آگاهانه به دنبال مخالفت و کارشکنی در مسیر مذاکره هستند؛ چون منافع خود را در تداوم تحریم‌های کشور تعریف کرده‌اند و سودهای کلانی از دور زدن تحریم‌ها می‌برند، کماکان تمایل دارند کشور در تحریم بماند و هیچ‌گونه مذاکره یا توافقی با آمریکایی‌ها انجام نشود. اگرچه این آدم‌ها از یک جریان سیاسی خاص هستند، اما تعداد آنها زیاد نیست. لذا این طیف است که باید خود را با اکثریت جامعه منطبق کند، نه اینکه اکثریت جامعه پای منافع این اقلیت قربانی شود و بار فشار تحریم‌ها را اکثریت مردم کشور به دوش بکشند و یک اقلیت هم منافع ناشی از دور زدن تحریم‌ها و حضور ایران در لیست سیاه FATF را ببرند.

نکات شما درست، اما دیدیم که بعد از مصاحبه مسعود پزشکیان با ان‌بی‌سی چه حمله‌ها، هجمه‌ها و تخریب‌هایی شکل گرفت که نشان می‌دهد در داخل کشور یک دوگانگی و عدم اراده جدی برای مذاکرات وجود دارد. غیر از این است؟

من قبل‌تر گفتم که به نظر من اراده برای مذاکرات در سطوح عالی وجود دارد و اتفاقا مصاحبه دکتر پزشکیان با شبکه آمریکایی را دیدم و مواضع هوشمندانه و مثبتی را مطرح کردند که به‌نفع ایران است. اما اینجا جا دارد دوباره تأکید کنم ما باید ایران را به حالت طبیعی خود بازگردانیم و امیدوارم هرچه زودتر مسیر برای مذاکره و حصول توافق با آمریکا باز شود.

خبر

پزشکیان: به دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم، نبودیم و نخواهیم بود

رئیس‌جمهور ایران تأکید کرد: «سیاست‌های ما و باورها و اعتقادهای ما بر این مبناست که ما به دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم، نبودیم و نخواهیم بود». به گزارش ایسنا، پزشکیان که با «ولادیمیر سولویوف»، خبرنگار شبکه تلویزیونی روسیه-۱، گفت‌وگو می‌کرد، با اشاره به اتهام‌زنی غرب درباره اینکه ایران به دنبال سلاح هسته‌ای است، گفت: «هم رهبر معظم انقلاب ما (فتوا داده‌اند)، هم سیاست‌های ما و هم باورها و اعتقادهای ما بر این مبناست که ما به دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم، نبودیم و نخواهیم بود». او در این گفت‌وگو که بخشی از آن عصر یکشنبه منتشر شد، گفت: آنها به‌دنبال ایجادکردن یک ذهنیتی در منطقه هستند تا ایران‌هراسی به وجود بیاورند. زمانی که من به ریاست‌جمهوری انتخاب شدم، تمام شعار و حرف من این بود که قرار است ما در داخل کشور یک هم‌زبانی و وحدت و انسجام ایجاد کنیم و با همسایگان دوستی و رفاقت کنیم. رئیس‌جمهور ایران با اشاره به اقدام تروریستی رژیم صهیونیستی در ترور شهید «اسماعیل هنیه» در تهران گفت: زمانی که تحلیف انجام می‌گرفت، مهمان ما را در تهران ترور کردند. براساس کدام قانون بین‌المللی این کار را انجام دادند و چه کسی از آنها دفاع می‌کرد؟ آمریکا و اروپا. پزشکیان تصریح کرد: مردم بی‌گناه غزه به آب و غذا دسترسی ندارند و اجازه کمک‌رسانی به آنها نمی‌دادند. آمریکا و اروپا تنها نگاه می‌کردند. اینها چگونه می‌توانند به مردم دنیا تلقین کنند که ایران باعث بی‌ثباتی است و اسرائیل باعث امنیت است؟ اسرائیل درح ال کشتن زنان و کودکان است. آنها ۱۴ هزار کودک را به قتل رسانده‌اند؛ این حقوق بشر است؟ این مردانگی و جنگ است؟ تو اگر مردی و می‌جنگی با کسانی که اسلحه به دست دارند بجنگ، نه با زنان و کودکان. چرا جلوی آب و غذای آنها را گرفتی؟ پزشکیان در بخش دیگری از این گفت‌وگو که روز شنبه منتشر شد، درباره امضای توافق‌نامه راهبردی جدید با روسیه، مطرح کرد که امضای این توافق‌نامه تأکیدی بر این است که مسکو و تهران موافق تعیین نقش کشورهایشان از سوی بازیگری خارجی نیستند. او بیان کرد: ما قادر به دنبال‌کردن سیاستی مستقل و آماده تضمین امنیت و تأمین امنیت اقتصادی در منطقه با همکاری هم و با هدف ایجاد صلح و ثبات در این منطقه هستیم. رئیس‌جمهور ایران تأکید کرد: ما نیازی به غرب نداریم.

سرلشکر باقری:

ایران و پاکستان برای تبدیل مرزهای مشترک به کانون دوستی و اقتصاد تلاش می‌کنند

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در بدو ورود به پاکستان بر تلاش مشترک ایران و پاکستان برای تبدیل مرزهای مشترک به کانون دوستی و ارتباطات اقتصادی تأکید کرد. سردار سرلشکر محمد باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح کشورمان که ساعتی پیش به دعوت فرمانده ارتش پاکستان در رأس یک هیئت بلندپایه نظامی وارد اسلام‌آباد شده است، با اشاره به روابط گسترده دو کشور در حوزه‌های نظامی و امنیتی، گفت: دو کشور در حال همکاری برای حل چالش‌های مشترک و تبدیل مرز طولانی خود به مرز دوستی و محوری برای ارتقای ارتباطات گسترده اقتصادی میان دو ملت هستند. او افزود: ایران و پاکستان به عنوان دو کشور بزرگ اسلامی در منطقه حساس غرب و جنوب آسیا، اشتراکات زیادی دارند و در بسیاری از موضوعات منطقه‌ای و بین‌المللی مواضع مشترکی را دنبال می‌کنند. سردار باقری هدف این سفر را توسعه و تعمیق همکاری‌های نظامی، امنیتی و اقتصادی بین دو کشور عنوان کرد و گفت: توافقات موجود در زمینه‌های آموزشی، عملیاتی و رزمایشی میان ایران و پاکستان با جدیت ادامه دارد. سردار باقری قرار است در جریان سفر رسمی خود به پاکستان، علاوه‌بر فرماندهان ارتش و نیروی هوایی این کشور با مقامات سیاسی این کشور همسایه از جمله رئیس‌جمهور پاکستان نیز دیدار کند.